



درس سوم نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

جامعه «تغلب» از دیدگاه فارابی

۱. معرفی فارابی

ابونصر محمد فارابی (۳۳۹-۲۶۰ هجری شمسی) یکی از فیلسوفان بزرگ اسلامی است که در حوزه‌های مختلفی از جمله فلسفه، سیاست، و جامعه‌شناسی نظریات مهمی ارائه کرده است. او جوامع انسانی را دسته‌بندی کرده و یکی از انواع جوامع جاهلی را با عنوان **جامعه تغلب** معرفی می‌کند.

۲. تعریف جامعه تغلب

در **جامعه تغلب**، مردم برای غلبه و چیره شدن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند. افراد این جامعه به دنبال **پیروزی و تسلط** بر دیگران هستند و هدف آنها مقهور و مطیع کردن سایر ملت‌ها است. ویژگی‌های اصلی این جامعه از دیدگاه فارابی به شرح زیر است:

۱. تمایل به غلبه بر دیگران

- مردم جامعه تغلب به شدت شیفته تسلط بر اقوام و ملت‌های دیگر هستند. آنها می‌خواهند که دیگر ملت‌ها مالک جان و مال خود نباشند و همواره در خدمت و زیر سلطه آنها قرار گیرند.

۲. چیرگی در داخل جامعه

- افراد جامعه تغلب تمایل دارند بر یکدیگر نیز چیره شوند؛ اما به دلیل نیاز به همکاری و بقا در برابر تهدیدات خارجی، ناچار هستند از چیرگی بر یکدیگر خودداری کنند.

۳. حس خودبرتربینی

- افراد این جامعه معتقدند که فقط آنها خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران هستند. آنها خود را برتر از همه جوامع دیگر می‌دانند و ملت‌های دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند.

۴. تقویت خودخواهی

- این طرز فکر باعث تقویت حس خودخواهی در میان مردم جامعه تغلب می‌شود. آنها همیشه می‌خواهند که دیگران آنها را ستایش کنند و معتقدند که سایر ملت‌ها نمی‌توانند به موقعیت آنها دست یابند.

۵. نادیده گرفتن سعادت دیگران

- افراد این جامعه باور دارند که سایر ملت‌ها اصولاً سعادت‌ی را که آنها به دست آورده‌اند نمی‌شناسند و نمی‌توانند به آن دست یابند.

تحلیل جامعه تغلب

فارابی جامعه تغلب را یک جامعه ناسالم و جاهلی می‌داند که در آن افراد به جای همکاری و همزیستی، به دنبال **تسلط و غلبه بر دیگران** هستند. این نوع جامعه بر پایه **قدرت طلبی و خودخواهی** بنا شده است و فاقد ارزش‌های انسانی مانند همدلی، برابری و احترام به حقوق دیگران است.

جهانگشایی و امپراتوری

معرفی مفهوم جهانگشایی

در طول تاریخ، برخی فرهنگ‌ها و جوامع از **مرزهای جغرافیایی** خود فراتر رفته و به سمت **جهانی شدن** پیش رفته‌اند. این حرکت به نوعی **سلطه جویی و استکبار** تبدیل شده و بسیاری از این فرهنگ‌ها تلاش کرده‌اند با **کشورگشایی و قدرت نظامی**، دیگر ملت‌ها را تحت سیطره خود قرار دهند.

امپراتوری و شاهنشاهی

امپراتوری و شاهنشاهی زمانی شکل می‌گیرد که یک جامعه با استفاده از **نیروهای نظامی و حضور مستقیم سربازان** خود، سرزمین‌های دیگر را فتح کند. این امپراتوری‌ها معمولاً با **کشتار، تخریب، و خسارات سنگین انسانی و اقتصادی** همراه بوده‌اند.

نمونه‌هایی از امپراتوری‌های جهانگشا

- **اسکندر مقدونی**: او یکی از بزرگترین جهانگشایان تاریخ بود که با حمله به ایران و **آتش زدن تخت جمشید**، خسارت‌های عظیمی به این سرزمین وارد کرد.
- **مغولان**: آنها با حملات خود، بسیاری از شهرها را **ویران** کردند و ساکنان آنها را به قتل رساندند. حتی **حیوانات** نیز از تهاجم آنها در امان نبودند و به کلی نابود شدند.

آثار جهانگشایی و امپراتوری

جهانگشایی‌ها و تشکیل امپراتوری‌ها اغلب به دلیل **استیلای نظامی و سلطه‌جویی** رخ داده و آثار زیانباری برای جوامع مغلوب داشته‌اند:

- خسارات انسانی: کشتارهای وسیع و نابودی مردمان سرزمین‌های فتح شده.
- خسارات اقتصادی: غارت منابع و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی جوامع مغلوب.
- تخریب فرهنگی: نابودی بناهای تاریخی و فرهنگی، و تحمیل فرهنگ فاتحان بر مغلوبین.

غلبه نظامی و غلبه فرهنگی

پرسش اصلی

آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟

تاریخ نشان می‌دهد که غلبه نظامی بر دیگر اقوام و جوامع همیشه به غلبه فرهنگی منجر نمی‌شود. گرچه مهاجمان از نظر نظامی ممکن است بر ملت‌های دیگر تسلط پیدا کنند، اما این تسلط نظامی لزوماً به پذیرش فرهنگ مهاجم توسط مغلوبین نمی‌انجامد.

حفظ هویت فرهنگی

وقتی یک قوم به دلیل **تهاجم نظامی** شکست می‌خورد، اگر بتواند **هویت فرهنگی** خود را حفظ کند، احتمالاً می‌تواند در آینده استقلال سیاسی خود را باز پس گیرد. در این حالت، حتی ممکن است با **ضعیف شدن قدرت نظامی مهاجم**، مهاجمان را از نظر فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را در فرهنگ خود هضم کند.

نمونه‌های تاریخی

- **ایرانیان باستان**: با وجود فتوحات گسترده ایرانیان در گذشته، این جهانگشایی‌ها به **جهانی شدن فرهنگ ایرانی** منجر نشد. این نشان می‌دهد که **گسترش سرزمینی** لزوماً به گسترش فرهنگی نمی‌انجامد.

- **مغولان:** مغول‌ها نیز با استفاده از قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را فتح کردند؛ اما فرهنگ آنها **قبیله‌ای و قومی** بود و توانایی جهانی شدن را نداشت. مغول‌ها به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌های **مغلوب** خود قرار گرفتند. نتیجه این تأثیر فرهنگی به شکل‌گیری سه امپراتوری مستقل با **هویت‌های چینی، هندی و ایرانی** بود.



بنابراین، غلبه نظامی همیشه با غلبه فرهنگی همراه نیست. اگر قوم مغلوب فرهنگی قوی و غنی داشته باشد، می‌تواند با گذشت زمان مهاجمان را در فرهنگ خود حل کند و از تسلط فرهنگی آنها جلوگیری نماید.

امپریالیسم و استعمار

تعریف امپریالیسم

امپریالیسم واژه‌ای است که از کلمه **امپراتوری** گرفته شده و به هر نوع سلطه‌ای اشاره دارد. امپریالیسم در اشکال مختلفی ظاهر می‌شود:

۱. **امپریالیسم سیاسی:** سلطه سیاسی که از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.
۲. **امپریالیسم اقتصادی:** سلطه اقتصادی که در آن قدرت اقتصادی یک کشور بازارها و منابع طبیعی کشورهای دیگر را تحت کنترل خود در می‌آورد.
۳. **امپریالیسم فرهنگی:** در این شکل از امپریالیسم، مقاومت فرهنگی مناطقی که از نظر اقتصادی یا نظامی مغلوب شده‌اند، از بین می‌رود و مردم آن مناطق برتری فرهنگی جامعه مسلط را می‌پذیرند.

تعریف استعمار

استعمار به معنای **اشغال یک سرزمین خارجی** با استفاده از قدرت نظامی و سیاسی است. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور مغلوب را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی **جهانگشایی** است که از قرن پانزدهم میلادی توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این دوره، اروپاییان بخش عظیمی از جهان را به تصرف خود درآوردند.

دوره استعمار

- در قرن نوزدهم، اروپاییان توانستند تصرفات خود را از ۳۵ درصد به ۶۷ درصد کره زمین افزایش دهند.
- پیشرفت‌های اروپاییان در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی از عوامل موفقیت آنان در دوران استعمار بود.

برده‌داری و نسل‌کشی

- در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، استعمارگران اروپایی بزرگترین برده‌داری تاریخ را به وجود آوردند.
- در جریان هجوم به قاره آمریکا، اروپاییان برای تثبیت سلطه خود به نسل‌کشی دست زدند. در طی پنجاه سال، حدود پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و برخی مناطق مانند هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.

استعمار نو و فرا نو

استعمار نو

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه در کشورهای مستعمره و طی قرن بیستم به وجود آمد. این نوع استعمار با استفاده از نیروهای بومی و داخلی، اهداف استعماری را دنبال می‌کند. ویژگی‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

۱. **استفاده از مجریان بومی**: استعمارگران به جای حضور مستقیم، از نیروهای وابسته و دولت‌های محلی برای حفظ نفوذ خود استفاده می‌کنند.
۲. **کودتاهای نظامی**: کشورهای استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته، از کودتاهای نظامی بهره می‌برند. مانند:

- کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ (رضاخان)
- کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (محمد رضا پهلوی)
- کودتای نوژه (طراحی شده علیه انقلاب اسلامی ایران) که شکست خورد.

۳. **کنترل اقتصادی و سیاسی**: در این نوع استعمار، استعمارگران با اتکا به قدرت اقتصادی، از طریق سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورها را در اختیار می‌گیرند.

استعمار فرا نو

استعمار فرا نو روشی پیشرفته‌تر از استعمار نو است که در آن به جای استفاده از ابزارهای نظامی و اقتصادی، ابزارهای فرهنگی و علمی مانند رسانه‌ها و فناوری اطلاعات به کار گرفته می‌شوند. ویژگی‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

۱. **حمله به هویت فرهنگی**: در استعمار فرا نو، هویت فرهنگی جوامع هدف قرار می‌گیرد. استعمارگران به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی کشورها حمله کرده و تلاش می‌کنند فرهنگ خود را تبلیغ و ترویج کنند.
۲. **نفوذ پنهان**: برخلاف استعمار قدیم که حضور مستقیم و آشکار داشت، در استعمار فرا نو، هم استعمارگران و هم مجریان پنهان عمل می‌کنند.
۳. **پذیرش برتری فرهنگی**: در این نوع استعمار، مردمی که برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته‌اند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جستجو می‌کنند و مسیر غرب را دنبال می‌کنند.